



بولتن تخصصی

شماره ۱۷ / فروردین ۱۴۰۳

# اتاق نارنجی

O R A N G E

R O O M

U

n

P A R

T W O

تلماسه ۲،  
هالیوود و  
کالایی سازی اسلام



نادینه اسبعلی می نویسد: "از زبان عربی مبهم تلماسه گرفته تا ظاهر فرش قرمز حجاب آنیا تیلور جوی، هالیوود مایل به فروش فرهنگ مسلمانان بوده و همزمان تلاش می کند تا به سفیدشویی ما بپردازد". او می افزاید: "هالیوود، زیبایی شناسی تپه هایی که در حال حاضر مسلمانان به خاطر آن ها در غزه مورد آزار و اذیت قرار می گیرند را جذاب ساخته، آن ها را تبدیل به کالایی مستعمراتی می کند... چیزهای زیادی در نسل کشی اسرائیل در غزه دیده ام که هرگز شبیه آن ها را نخواهم دید".





**نادین ازبالی**

**نویسنده و مدرس**



### اما با توجه به تأثیرات داستان فیلم - درباره مسئله عدم حضور اعراب - موضوع چگونه پیش می‌رود؟

دوگانه تلماسه برای من همواره از طعم بدی برخوردار بوده است. این فیلم، زیبایی‌شناسی مسلمانان را کالایی می‌کند؛ در حالی که هیچ کاری برای ارتقاء روایت‌ها یا صدای مسلمانان انجام نمی‌دهد. زمانی که در سال ۲۰۲۱، با اکراه نخستین فیلم تلماسه را تماشا کردم، احساس کردم در جهانی غوطه‌ور شده‌ام که به نحو نامحسوسی آشنا و در عین حال تهی و توخالی است.

واژه‌های عربی مبهمی نظیر "ایشوان" و "شای خلود" و اصطلاحات کاملاً به یغما رفته از ایمان اسلامی و آهنگ اجداد من، مانند "مهدی" و "وحد"، به‌طور کامل در جهانی که به اسلام بدبین است، معنا ندارد و تبدیل به جرم‌انگاری می‌شود. فرم‌ها و چهره‌های پوشیده شده فریمن‌ها، مرموز و مبهم و فارغ از تله‌های امنیتی‌سازی و تهدیدی است که زنان مسلمان در جهان واقعی غرب با آن روبرو هستند. پس‌زمینه صحرای مبهم عربی نیز به جای امکان توسعه‌نیافته جنگی که معمولاً خاورمیانه در قالب آن به تصویر کشیده می‌شود به مکانی برای دسیسه‌ورزی و رمز و راز تبدیل می‌شود (حتی برای تبدیل شدن به پس‌زمینه یک نمایش پر زرق و برق). واژه‌هایی مانند "جهاد" بدون هراس از جرم‌انگاری در این پارادایم تخیلی که خود را در لباس مسلمانان پوشانده و در عین حال، عاملیت ما به عنوان افرادی مسلمان را بیشتر می‌فرساید، در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند.

تمام این سرکوب‌ها نیز مهیاست: متمدن ساختن و آزادسازی زنان از یوغ حجاب؛ اما وقتی تیلور جوی مبادرت به پوشیدن آن کند، برزندگی و زیبایی از آن شره می‌کند. سکوت نسبی کسانی که تیلور جوی را ستایش کرده‌اند و در عین حال بروضعیت وحشتناک زنان غزه تاسف می‌خورند، این تصور را بیش از پیش تقویت می‌کند که ما تنها زمانی شایسته نگاه فمینیستی لیبرال غربی هستیم که یا در حال نابودی یا در شرف نجات باشیم. موقعیت‌هایی که با دستور کار استعمارگری غرب عمیقاً مطابقت دارد. رسانه‌هایی که ظاهر اثری "عروس‌مانند" تیلور جوی را ستوده‌اند، کامنت‌های اینستاگرامی که از استایل همیشگی تیلور جوی تمجید کرده‌اند و سایر چهره‌های مشهوری که در کنار حجاب او ژست گرفته‌اند، اغلب به شکل کرکننده‌ای درباره وضعیت اسفناک زنان غزه سکوت کرده‌اند.



بیسکوئیت‌ها را در دست‌های بی‌جان‌شان می‌فشارند. ملحفه‌های سفید، اجساد رها شده را در آغوش گرفته‌اند. کامیون‌های بستنی به سردخانه تبدیل شده‌اند. کودکانی در خواب که هرگز بیدار نخواهند شد. چادرهای نمازی که زنان هنگام خوابیدن بر تن می‌کنند تا در صورت کشته شدن یا نجات از زیر آوار برهنه نباشند.

شاید به همین دلیل است که از حجاب سفیدی که به شدت به چادر نمازهای زنان غزه شبیه بوده و آنیا تیلور جوی بازیگر هالیوود بر تن کرده است، بسیار خشمگین و عصبانی‌ام. من شخصا به دیدن این چادرها در سراسر شبکه‌های اجتماعی عادت کرده‌ام. مادرانی را دیده‌ام که مجروحند و در حالی که ناله می‌کنند، اجساد خون‌آلود فرزندانشان را در آغوش کشیده و با چادرهایی که بر تن دارند اندام نحیف آن‌ها را می‌پوشانند. برای من این چادر، نماد زانی است که مورد قتل عام غرب و زیاده‌خواهی‌های آن قرار گرفته‌اند تا این که یک سلبریتی آن را پوشیده و بر فرش قرمز براق گام بردارد.

در این میان، چیزی فراتر از نکیت وجود دارد؛ زمانی که تیلور جوی تنها به دلیل ظرافت زنانه و جاودانه‌اش مورد تحسین قرار می‌گیرد؛ در حالی که لباس او نماد نسل‌کشی جمعیت غیرنظامی مسلمانان است. این دست از لباس‌های ساده و بی‌پیرایه که در خانه‌های غالب زنان مسلمان یافت می‌شود، هنگامی که روی بدن یک زن سفیدپوست و مرفه قرار می‌گیرد، کاملاً به مولفه دیگری بدل می‌شود. این در حالی است که اگر زنی مسلمان آن را بپوشد، امل و عقب افتاده جلوه می‌کند، آن را جرم‌انگاری می‌کنند و به مهارش می‌پردازند. بهانه لازم برای

پنجم [ششم] خود قرار دارد - بوی نوعی بی‌تدبیری آشکار می‌دهد که نمی‌توانم از آن چشم‌پوشی کنم.

برخی از عباراتی که مقامات اسرائیلی در ماه‌های اخیر به کار برده‌اند را به یاد بیاورید: این جنگ میان "فرزندان نور" و "فرزندان تاریکی" است؛ جنگی علیه "حیوانات انسان‌نما". واضح است که این نسل‌کشی نه تنها سیاسی بوده، بلکه از انگیزه‌های نژادی و مذهبی برخوردار است. در واقع، جهان غرب دقیقاً به این دلیل که اسرائیل آخرین پایگاه استعماری غرب است، با توسل به چراغ فاسد دموکراسی غرق در خون، به مقابله با اعراب و مسلمانان پرداخته و امکان جنگ اسرائیل با غزه را فراهم ساخته است.

اگر فلسطینی‌ها عمدتاً مسلمان نبودند؛ اگر عرب نبودند و اگر زنان آن دقیقاً به همان شکلی که آنیا تیلور جوی ظاهر شده است لباس نمی‌پوشیدند؛ این نسل‌کشی، جهان را - به همان شکلی که حمله روسیه

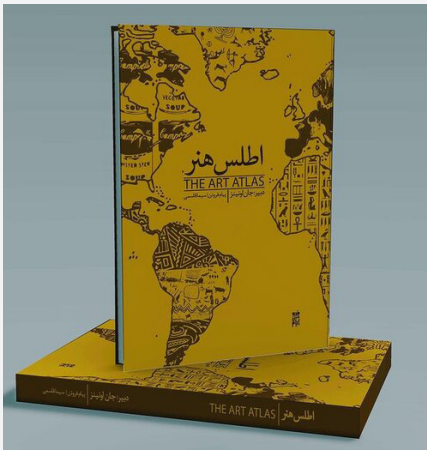
است. *تلماسه* بر مولفه محبوب هالیوود - ناجی سفید برتر (در این مورد، تیموتی شالامت با نام مستعار پل آتریدس) متکی است که اعراب وحشی (فریمن‌ها) را متمدن می‌سازد. این رویکرد، نشانه یک مشکل گسترده‌تر در صنعت سینما است که عموم مردم را به سمت غیرانسانی کردن اعراب و مسلمانان می‌کشاند تا هدف نهایی غرب یعنی مشروعیت بخشیدن به کشتار ما را توجیه کند. اگر هر فیلم پرفروش دیگری حول محور یک عرب توسعه نیافته باشد که توسط یک مرد سفیدپوست بشردوست، مدرن شده یا برای رسیدن به آزادی، توسط یک دولت غربی تحت شدیدترین بمباران‌ها قرار گیرد، در این صورت چنین رویدادی را در زندگی واقعی‌مان عادی تلقی خواهیم کرد (که دست بر قضا در حال حاضر نیز این‌گونه است). اگر بخواهیم تا این اندازه بدبین نباشیم، زمان انتشار *تلماسه ۲* - اکنون در حالی که نسل‌کشی غزه در ماه

مایوس‌کننده است، اما تعجب‌آور نیست، برای فیلمی که داستان خود را به شدت از جهان عرب مسلمان وام گرفته است، هیچ بازیگر خاورمیانه‌ای در آن حضور ندارد. فقدان این نمایندگی، ایده و گفتمان بنیادین شرق‌شناسان را تقویت می‌کند: فرهنگ‌های ما می‌توانند جذاب و تجاری باشند، به شرط آن که از سوی سفیدپوستان مرفه پذیرفته شوند. مانند حجاب یک سلبریتی در فهرست الف، که روی سر برخی از افراد تاثیرگذار قرار گرفته یا با نمادهای پر زرق و برق ساده قدیمی، همراه با یک سیگار باریک و خط چشم گریه‌ای دراماتیک همراه شود.

مسئله، مسئله لباس، زبان و آداب و رسوم ما نیست. این ما و خود مسلمانی ما است که استحقاق نابودی دارد تا غرب از غنایم عاری از گناه بهره‌مند شده و به واسطه تنوع‌طلبی آن مورد تجلیل قرار گیرد. با این حال، مشکلات با *تلماسه*، فراتر از همراهی توخالی آن با مسلمانان







به اوکراین به حرکت درآورده است - متحول می‌کرد. بدین ترتیب، حالا ما تبدیل به اجتماعی شده‌ایم که قتل عام اعراب و مسلمانان را امری عادی و بی‌اهمیت می‌دانیم و اجساد ما صرفاً به آسیبی حاشیه‌ای برای جهانی تبدیل شده است که از کشتار ما به هیچ‌وجه آشفته نیست. *تلماسه*، همان زیبایی‌شناسی که مسلمانان در حال حاضر به واسطه آن در غزه کشتار می‌شوند را پرزرق و برق ساخته، آن را کالایی کرده و به استعمارگری دست می‌زند. *تلماسه*، افسانه نجات اعراب توسط یک مرد سفیدپوست را منتشر می‌کند. زمانی که بازیگر اصلی آن با چادر نماز ما را روی فرش قرمز در ظاهری جذاب و جنسی ظاهر می‌شود، باید به فیلم به عنوان چیزی بسیار فراتر از یک فیلم سه ساعته نگاه کرد.

موفقیت - در واقعیت - هم در فیلم و هم در جهان واقعی امروزی، گواهی بر تمایل غرب به مصرف زیبایی‌شناسی مسلمانان در قلمرو خیال است؛ این در حالی است که غرب، چه از راه امنیتی‌سازی یا نژادپرستی و چه جنگ و نسل‌کشی، ما را از جهان واقعی حذف می‌کند.

*تلماسه* ما را به یاد جهانی می‌اندازد که عرب و مسلمان، همواره باید در سمت غرب آن ساکن باشد و به ما می‌گوید: ما از عجیب و غریب بودن شما تغذیه می‌کنیم، پیچیدگی‌های فرهنگ شما را می‌پذیریم؛ اما وطنتان را ویران می‌سازیم و شما را به کل از معادلات جهانی حذف می‌کنیم.



Carwan  
Dourandich

\*[Graphic Designer]

Instagram:  
@Carvvan

LinkedIn:  
/Carvvan



مدیر بولتن: پیام فروتن  
طراح هنری: کاروان دوراندیش  
حامی مالی: میلاد قلیچ

ORANGE ROOM

کلیه حقوق معنوی بولتن متعلق به پیام فروتن بوده و هرگونه کپی‌برداری و استفاده از مطالب آن منوط به کسب اجازه کتبی از وی می‌باشد.